

برای شناخت تفاوت بین کاتولیک ها و پروتستان ها بسیار لازم است تا ابتدای امر با هر کدام از آن ها به طور اجمالی آشنا شویم.

کلیسای مسیح در ابتدا در جمع کوچک شاگردان خداوند شکل گرفت. این کلیسا از رسولان اولیه مسیح و عده ای از شاگردان عیسی تشکیل می شد که با هم در ارتباط با عیسی مسیح زندگی می کردند. پس از صعود عیسی مسیح به آسمان و آمدن روح القدس در روز پنطیکاست، مأموریت جهانی کلیسا آغاز می شود. عیسی مسیح بارها لزوم محبت شاگردان به یکدیگر را به ایشان گوشزد کرده بود و آن ها را همواره به اتحاد فرا می خواند. پولس رسول کلیسا را به بدن خداوند عیسی تشبیه می کند در حالی که مسیح، خود، سر این بدن است، بدنی که خود را در محبت بنا می کند(افس ۴: ۱۵-۱۶). بنابراین این بدن برای بقا و برای انجام مأموریت خدا در وحدت باشد. زیرا که عضوی از بدن، بیرون بدن کاری نمی تواند انجام بدهد.

با این توضیح کوتاه به سراغ شاخه های مختلف کلیسا می رویم:

در مسیحیت به شکل امروزی آن ۳ شاخه ی اصلی دیده می شود: ۱- کلیسای کاتولیک ۲- کلیسای ارتدوکس ۳- کلیساهای پروتستان

---

**کلیسای کاتولیک:** واژه ی کاتولیک از واژه ی یونانی καθολικός (کاتولیکوس) گرفته شده که به معنای جهانی است. این واژه برای اولین بار در اوایل قرن دوم میلادی(حدود ۱۱۰ میلادی) در یکی از نامه های یکی از پدران کلیسا به نام حضرت ایگناتیوس به عنوان صفتی برای کلیسا به کار رفت و بعد از آن به صورت مداوم برای ارجاع به کلیسا به کار گرفته شد.

اما چه چیز کلیسای کاتولیک را می سازد؟ به بیان سلیس تر، منبع ایمان کلیسای کاتولیک چیست؟ باید گفت که کلیسای کاتولیک ایمان و عمل خود را از ۳ منبع دریافت می کند. ۱- نوشته های مقدس(کتاب مقدس) ۲- سنت رسولی ۳- تصمیمات شوراهای کلیسایی

ایمانداران کاتولیک(که کلیسای کاتولیک را می سازند) برای اثبات عملشان به خطوطی از نوشته های مقدس ارجاع می دهند. به عنوان مثال، برای پذیرش اصل سنت به فرازی از گفتار مسیح بر طبق انجیل یوحنا اشاره می شود: اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد(یو ۱۶: ۱۳)

برداشت از این خط جز این نمی تواند باشد که کلیسا در مرور زمان به واسطه ی فیض عمل کننده ی روح القدس به حقایق الاهی دسترسی پیدا خواهد کرد و این روح پیوسته در کلیسایش عمل می کند. به طور کلی می توان گفت سنت، به طور سنتی، آن است که سینه به سینه از رسولان (به صورت شفاهی یا خارج از متون کتاب مقدس) تا به امروز منتقل شده است.

این جا مرز منبع دیگر اخذ ایمان، یعنی شوراها ی کلیسایی است.

کلیسای کاتولیک خود را جهانی می داند. اما برای اثبات این مهم به قسمتی از انجیل متی اشاره می شود که در آن خداوند از شاگردانش می خواهد که به او بگویند از دیدگاه ایشان، او چه کسی است:

«آنان پاسخ دادند: برخی می گویند یحییای تعمید دهنده است، بعضی دیگر می گویند الیاس و عده ای دیگر می گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است. عیسی پرسید: شما چه می گویند: به نظر شما من که هستم؟ شمعون پطرس پاسخ داد: تویی مسیح، پسر خدای زنده. عیسی گفت: خوشابه حال تو ای شمعون، پسر یونا. زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است. من نیز می گویم که تویی پطرس و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می کنم و قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت، کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می دهم. آن چه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی در آسمان گشوده خواهد شد» (مت ۱۶: ۱۴-۱۹).

همین طور در مؤخره ی انجیل یوحنا ی رسول اشاره می شود که این پطرس است که به عنوان رهبر رسولان و شبان گوسفندان کلیسا شناخته می شود (یو ۲۱: ۱۵-۱۹).

از آن جا که پطرس رسول در رم (کلیسایی که بر اساس سنت، خود تأسیس کرده بود) به توسط امپراطوری رم شهید می شود، پس جانشین پطرس رسول اولین پاپ کلیسای کاتولیک شناخته می شود و به همین ترتیب تا به امروز این نسل باقیست. حال شوراها ی کلیسایی چیست؟ شوراها یی که برای بیان مسائل روز، یعنی مسائل مورد بحث حساس، چه به دلایل زمانی و چه به دلایل بحرانی شکل می گیرند لازم به ذکر است که این شوراها اکثرا جهانی هستند. از اسقف های ۴ گوشه ی جهان دعوت می شود تا در موارد خاصی با هم به بحث بنشینند و با وفاداری به کتاب مقدس و سنت رسولی، کلیسا را در برهه ی تاریخی خودش، با مسائل انضمامی خودش تحت فیض روح القدس رهبری کنند. دانستن این نکته خالی از لطف نیست که آخرین شورای جهانی کلیسایی، شورای واتیکان دوم بود که از سال ۱۹۶۲ تا سال ۱۹۶۵ تشکیل شد و در طی آن تصمیمات بسیار مهم و کلیدی برای چگونگی زیست کلیسا در دنیای جدید گرفته شد.

حال نگاهی اجمالی به نهضت پروتستان می اندازیم:

کلمه ی پروتستان از ریشه ی لاتینی protestantem گرفته شده است که به معنای شخصی است که به طور آشکار معترض است. حال اعتراض به چه چیزی؟

در قرن ۱۵۱۷ در آلمان، راهبی آگوستینی به نام *مارتین لوتر* متنی ۹۵ ماده ای که همه ی آن اعتراضاتی بر سیاست ها و نحوه ی عملکرد کلیسای کاتولیک در آن دوران بود به سر در کلیسای شهر دانشگاهی ویتنبرگ نصب کرد. این آغاز نهضت پروتستان بود.

در اینجا مجال برای تشریح این ۹۵ ماده نیست ولی ذکر این نکته خالی از لطف نیست که کلیسای کاتولیک در آن دوران دچار اشتباهاتی از قبیل فروش مغفرت نامه بود که همه ی آن ها و البته بسیاری مسائل دیگر که لوتر شخصا آن ها را نمی پذیرفت مورد انتقاد شدید بود. باید گفت متأسفانه اشتباه تاریخی کلیسای کاتولیک مبنی بر نپذیرفتن انتقاداتی که بعضی از آن ها به حق بود و همچنین رفتار ناصحیح لوتر جوان که خود را به طور واضح از کلیسا جدا کرد و آن چه که خود می خواست را تأسیس کرد، باعث این جدایی بین بعضی از مسیحیان شد که تا به امروز موجب تأثر ایمان داران است. پس از اندکی *مارتین لوتر* اعلام کرد که سنت و همین طور شوراهای کلیسایی را به عنوان منشاء ایمان و عمل نمی شناسد و این که فقط و فقط کتاب مقدس را منبع ایمان خود و البته پیروان آینده اش می داند. *Sola Scriptura* یعنی فقط نوشته های مقدس. البته این نکته را هم اضافه می کنیم که لوتر هیچ گاه سنت را امری پلید تصور نمی کرد، ولی صرفاً آن را به طور مستقیم منبع ایمانی نمی دانست، یعنی به بیان دیگر آن چه که در کتاب مقدس نوشته بود مورد پذیرش به عنوان اصل ایمان بود، چیزهایی بود که در کتاب مقدس نوشته نشده بود و لوتر هم بر این امر واقف بود، بنابراین در آن موارد ممکن بود حتی به سنت هم رجوع کند. ولی برعکس او، یکی از رهبران دیگر نهضت پروتستان که معاصر او نیز بود به نام ژان کالون، هر آن چه را که در ایمان هست را از کتاب مقدس اخذ می کرد و معتقد بود رفتاری جدای این (حتی برای مسائلی که در کتاب مقدس نوشته نشده بود، با این توجیه که همه چیز در کتاب مقدس یافت می شود و اگر یافت نشود، خدا نخواسته است که آشکار گردد) شیطانی است.

به منشاء تفاوت در ایمان و عمل کلیسای کاتولیک و کلیساهای پروتستان رسیدیم. تفاوت در منبع دریافت ایمان و عمل.

در واقع پیروان مذهب پروتستان به جهت پافشاریشان به شعار فقط کتاب مقدس و همین طور تفسیر شخصی هر انسان از کتاب مقدس دچار مشکل درونی با خود شدند و امروز می بینیم که کلیساهای پروتستان از شماره خارجند. از کلیساهای پروتستان می توان به کلیساهای لوتری، پرزبیتری (مشایخی، کلیسایی که ژان کالون بنیانگذار آن بود)، باپتیست، پنطیکاستی-کاریزماتیک (که از آن جمله اند کلیساهایی مثل جماعت ربانی، کلوری چپل و...) و .... .

آیا واقعا شعار فقط کتاب مقدس عملی شد؟ در عمل می بینیم که هرگز! زیرا هر رهبری که نظر مخالفی در برداشت آزاد از کتاب مقدس با فرد دیگری داشته باشد خود را از کلیسای وابسته اش جدا کرده و کلیسایی جدید با نامی جدید دایر می کند و خود را درست می داند و دیگران را نادرست. این دقیقا مشکلی است که امروزه کلیساهای پروتستان با آن مواجه هستند. همگی آن ها خود را پروتستان حقیقی یا کلیسای حقیقی می دانند و بعضی از اوقات به دشمنی با هم نیز می پردازند.

اما چقدر می شود به این شعار توجه کرد؟ آیا همه چیز در کتاب مقدس یافت می شود؟ مشخصا کتاب مقدس برای ایمان داران همیشه سرمنشاء برکات الاهی و روحانی و یکی از منابع اصیل دریافت ایمان و عمل بوده است. اما متخصصان می دانند که هرگز نمی شود همه چیز را در کتاب مقدس یافت. به طور مثال متخصصین به این امر گواهی می دهند که نامه های پولس رسول هر کدام برای بیان مشکلی که در آن دوران در کلیسا دیده می شد یعنی در پاسخ به سوال خاصی نوشته شده اند. حتی خود کتاب مقدس به این معترف است که همه چیز در آن یافت نمی شود:

عیسی کارهای بسیار دیگر نیز کرد که اگر یک به یک نوشته می شد، گمان نمی کنم حتی جهان نیز گنجایش آن نوشته ها را می داشت (یو ۲۱: ۲۵)

همین طور اشاره ی به سنت در خود کتاب مقدس یافت می شود:

پس ای برادران، استوار باشید و سنت هایی (تعالیمی) را که چه با سخن زبان و چه با نامه به شما سپردیم، نگاه دارید (۲-تسا ۲: ۱۵)

همین طور باز پولس در جای دیگر می فرماید:

شما را تحسین می کنم که در همه چیز مرا به یاد می آورید و سنت ها را به همان شکل که به شما سپردم، حفظ می کنید (۱-قرن ۱۱: ۲)

البته اشاره به سنت را می توان در رسالات پطرس و دیگر قسمت هایی از عهد جدید به وضوح دید. اما ما اینجا ذکر تک تک آن ها را لازم نمی دانیم و آن را به تحقیق خواننده می سپاریم.

حال به یک نکته ی کلیدی اشاره می کنم. کتاب مقدس خود از کجا شکل گرفت؟ کتاب مقدس چطور به شکل امروزی به دست ما رسیده است؟ آیا به غیر از وفاداری کلیسا به کلام خداست؟ آیا کانن کتاب مقدس (به مجموعه ی کتاب های عهد قدیم و عهد جدید که به صورت جمعی کتاب مقدس نامیده می شود که به تصویب نهایی کلیسا رسیدند کانن کتاب مقدس می گویند) جز به دست کلیسای اولیه که خود را کاتولیک می نامید، به تأیید نهایی رسیده است؟ آیا کتاب های دیگری نبود که کلیسا از ورود آنها به کانن به جهت داشتن تناقضات عجیب و همین طور ریشه ی غیر مسیحی و بی ارتباطی با رسولان خودداری کرد؟ آیا این سیاست یک بام و دو هوا نیست اگر بگوییم که کلیسا با کمک روح القدس کانن کتاب مقدس را مشخص کرد و امروز همان کلیسا را در آن واحد متهم کنیم که بر طبق روح رفتار نکرده است؟! از آن گذشته، آیا در زمان رسولان عهد جدیدی وجود داشت؟ حتی تا قرن دوم میلادی و بعضا تا قرن سوم میلادی بسیاری از کلیساهای بعضی از قسمت های عهد جدید دسترسی نداشتند. پس چه چیز منشاء ایشان بود؟ مشخصا سنت. سنتی که به طور شفاهی به ایشان رسیده بود، همانی که حتی در زمان کلیسای رسولان اجرا می شد، حتی قبل از نوشتار کتاب مقدس. بنابراین می توان گفت که از دیدگاه تاریخی کلیسا و سنت رسولی بر کتاب مقدس تقدم داشته است. البته این هیچ لطمه ای به اعتبار کلام خدا در کتاب مقدس نمی زند، بلکه بر این امر واقفیم که همه ی پدران کلیسا، به این ستون محکم محک ایمان در نوشته هایشان اشاره می کردند و در تمام دوران های مسیحیت تا به امروز، الهام بخش تمامی بخش های نیایشی و ایمانی کلیساست.

جالب اینجاست که اکثریت کلیساهای پروتستان حاصل بسیاری از شوراها ی کلیسایی را از جمله: تثلیث، طبیعت دوگانه ی مسیح، کتاب های کانن عهد جدید و ... می پذیرند اما از پذیرش اصول دیگر سر باز می زنند. اگر که برای پذیرش تثلیث یا ۲۷ کتاب عهد جدید کلیسا آن چنان زیر نفوذ روح القدس بود که از خطا مصون ماند، پس چگونه ممکن است که در همان زمان مثلا روش عبادتشان کلا با آن چه که روح خدا می خواسته در تضاد باشد؟ این سوالاتی است که همواره پیش روی بسیاری باز است.

در نتیجه متوجه این امر مهم می شویم که اگر در مسائلی مانند: روش عبادت، تکریم حضرت مریم، دعا برای مردگان، اعتقاد به رهبری اسقف رم (پاپ) به عنوان رهبر کلیسای کاتولیک و ... با برادران پروتستان متفاوت هستیم، تنها به دلیل منبع ایمانی است. منابعی که در کلیساهای تاریخی ۳گانه است و در کلیساهای پروتستان یگانه.